



مجله علمی

علوم محیطی ۵ ، پاییز ۱۳۸۳
ENVIRONMENTAL SCIENCES 5 , Autumn 2004
۵۵-۶۷

نقد بیانیه "نشست صاحب نظران جمعیتی جهان در دهلی نو، ۱۹۹۳"

منصور شریفی

مربی گروه مردم شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد گرمسار

"Statement of The World Population Experts Summit, New Delhi 1993", A Brief look and Critiques

Mansour Sharifi, M.Sc.

Ph.D. Student of Demography, Faculty of Social Science, University of Tehran

Instructor, Department of Anthropology, Islamic Azad University, Garmsar Branch

Abstract

The global population increase and the worries caused by its effects on the environment have attracted the attention of many scholars in various disciplines. Scientific achievements have resulted in a decline in mortality rates and prolongation of the human life span, and also intensified the utilization rates of natural resources. Today, nature is changing more rapidly than in ancient times.

Optimistic views concerning population and its growth dominating in the 1940s and 1950s were gradually revised from the 60s and early 70s due to an increasing awareness about the consequences of economic growth on the environment and preserving the quality of the environment received a great attention against the economic growth.

The interests in environmental problems resulted in a revision of most of the concepts concerning economic growth theories and ultimately lead to the sustainable development concept.

In order to achieve *universal population policy*, many, specialized scientific and political summits have been held since 1970 and scientists and experts of various disciplines as well as political leaders participated in collaboration with the U.N. to provide a common ground for scientific and research collaboration among members of the scientific academies of 60 countries and also to present a framework for 1994 Cairo population conference, the 1993 New Delhi summit was held.

This article aims to investigate and criticize the final resolution of the summit.

Keywords: Population Growth, Economic Growth, Resource consumption, Poverty, Environmental Degradation.

چکیده

افزایش جمعیت کره زمین و دغدغه‌های ناشی از اثرات آن بر محیط زیست اذهان بسیاری از دانشمندان علوم مختلف را به خود جلب نموده است. پیشرفت علم موجب کاهش مرگ و میر و طولانی شدن عمر انسان شد و میزان بهره برداری وی از مواد طبیعی و معدنی شدت گرفت. امروزه تغییر شکل طبیعت بسیار سریعتر از اعصار پیشین صورت می گیرد. دیدگاه‌های خوشبینانه درباره جمعیت و رشد آن که در دهه‌های چهل و پنجاه میلادی حاکم بود به تدریج از اواخر دهه شصت و آغاز دهه هفتاد به موازات آگاهی یافتن از پیامدهای رشد اقتصادی بر محیط زیست مورد تجدید نظر قرار گرفت و حفظ کیفیت محیط زیست در برابر رشد اقتصادی مطرح شد. پرداختن به مسائل زیست محیطی موجب تجدید نظر در بسیاری از مفاهیم مرتبط با توسعه اقتصادی شد و نهایتاً به طرح مفهوم توسعه پایدار انجامید. حداقل از سال ۱۹۷۰ میلادی به بعد نشست‌های متعدد علمی، تخصصی و سیاسی با شرکت دانشمندان و متخصصان علوم گوناگون، رهبران سیاسی با همراهی سازمان ملل انجام شده تا به (سیاست جمعیتی جهانی) دست یابند. نشست ۱۹۹۳ دهلی نو نیز در جهت فراهم آوردن زمینه همکاری‌های علمی و پژوهشی میان اعضای فرهنگستان علوم ۶۰ کشور و ارائه چهارچوبی برای کنفرانس جمعیت ۱۹۹۴ قاهره انجام شده است. این نوشتار قطعنامه پایانی نشست را مورد بررسی و نقد قرار داده است.

کلید واژه‌ها: رشد جمعیت، رشد اقتصادی، مصرف منابع، فقر، تخریب محیط زیست.

نشان داد که تأثیرات انسان بر محیط به شکل عظیمی بدون پیش‌بینی و برنامه‌ریزی، اغلب زبان‌آور و گاهی نیز غیرقابل بازگشت بوده است و به شدت راجع به این موضوع هشدار داد (Orians & Skumanich, 1997; Lowenthal, 1990).

همچنین در ۱۸۹۰ دانشمندی سوئدی پیش‌بینی کرد که مصرف ذغال سنگ منجر به آزادسازی مقادیر زیادی از دی‌اکسیدکربن به جو می‌شود که موجب تغییر در آب و هوای جهان خواهد شد (Morse & stocking, 1995:5).

اصلاح‌طلبان اوایل قرن بیستم مطلوبیت تسلط انسان بر طبیعت را به چالش کشیدند و دیدگاهی از جهان ارائه کردند که در آن جهان طبیعی به عنوان نظامی پایدار و هماهنگ بدون دخالت انسان به بهترین وجهی کار خود را انجام می‌داد. آلمانی‌ها و ژاپنی‌ها در اوایل قرن بیستم رشد جمعیت را برای مقاصد سیاسی - نظامی و تسخیر همسایگان می‌خواستند و در طول جنگ سرد میان دو اردوگاه سوسیالیستی و سرمایه‌داری، جمعیت به‌عنوان عامل گسترش دهنده تفکر سوسیالیستی و کمونیستی مطرح گردید (Wilmoth & Ball, 1992). گاهی نیز جمعیت و رشد آن به شکل خنثی و یا مثبت به‌عنوان عامل گسترش‌دهنده و شکوفاکننده اقتصاد مطرح شده است. این تفکر و نگرش مثبت به جمعیت و رشد آن سایر دیدگاه‌ها را در خود قرار داد و حتی آن بجه‌زایی بزرگ^۳ پس از جنگ جهانی دوم نیز به طور کلی مثبت و مفید قلمداد گردید (Teitelbaum & Winter, 1993; Encyclopedia of Population, 2003:73).

دیدگاه‌های خوشبینانه حاکم بر دهه چهل و پنجاه قرن بیستم میلادی از اواخر دهه شصت و در طول دهه هفتاد به موازات آگاهی از پیامدهای رشد اقتصادی بر محیط‌زیست تغییر کرد. کتاب‌ها و مقالاتی نظیر بهار خاموش از راشل کارسون^۴ در ۱۹۶۲، بمب جمعیت الیش^۵ در ۱۹۶۸ و نیز مقاله مصیبت مشترک ما نوشته گارت بهاردین^۶ در ۱۹۶۸ توجه افکار عمومی را به تخریب محیط‌زیست معطوف نمودند و تقریباً همگی متفقاً این تأثیر مخرب را در سطح جهانی و ملی به رشد جمعیت نسبت دادند (Stycos, 1993).

امروزه افزایش جمعیت کره زمین عمدتاً با تغییرات جمعیتی کشورهای توسعه نیافته و یا در حال توسعه که پس از جنگ جهانی دوم رخ داد مرتبط است. در حالی که در کشورهای صنعتی به مدد عوامل اقتصادی و اجتماعی و پیشرفت علوم و صنعتی شدن، کاهش مرگ و میر با کاهش قابل توجه زادآوری همراه بود، این امر در کشورهای در حال توسعه یا توسعه نیافته رخ نداد و علی‌رغم کاهش مرگ و میر به علت پیشرفت‌های پزشکی و بهداشتی و درمانی انتقال یافته از کشورهای توسعه یافته، میزان موالید در همان سطح بالای اولیه باقی ماند و این امر موجب رشد بسیار سریع جمعیت جهان گردید که در ادبیات جمعیت‌شناسی از آن به عنوان انفجار جمعیت^۱ یاد می‌شود و به صورت یکی از مسائل بسیار مهم دنیای کنونی درآمده است (محللاتی، ۱۳۷۲؛ Ehrlich, 1968; Aplin et al., 1999).

پیشرفت علوم و تکنولوژی با به کنترل درآوردن مرگ و میر بر جمعیت آدمیان افزود و از سوی دیگر آنان را به استفاده از انرژی بیشتر و تسخیر هر چه بیشتر طبیعت و تغییر شکل آن سوق داد. پیشرفت‌های علمی موجب مهار میکروب‌ها و حشرات ناقل بیماری‌ها شد و بر تعداد انسان‌های سالم اضافه و میانگین سن انسان‌ها طولانی‌تر شد و با طولانی‌تر شدن عمر انسان‌ها میزان مصرف آنان از مواد طبیعی و معدنی افزایش یافت و تغییر شکل طبیعت شتاب بیشتری به خود گرفت (میدوز، ۱۹۷۲: ۲۴). آگاهی از نقش انسان به‌عنوان عامل قدرتمند تغییردهنده محیط سخن تازه‌ای نیست. ریشه‌های توجه جدید به تأثیرات انسان بر محیط‌زیست به گذشته‌های بسیار دور باز می‌گردد. این موضوع در تاریخ معاصر از اواخر قرن هجدهم و آغاز قرن نوزدهم میلادی نیز به وضوح قابل مشاهده است. در ۱۸۶۴ جورج مارش^۲ در کتاب «انسان و طبیعت» حرکات انسان و اعمال وی را به شکلی نظام‌مند با جنگل‌زدایی، بیابان‌زدایی، بهمن، اختلال در حیات وحش و دیگر شکل‌های تخریب محیط‌زیست مرتبط نمود. او با ارائه مثال‌هایی متعدد و گویا

اواخر دهه ۶۰ و اوایل دهه ۷۰ میلادی شاهد بحث‌هایی بود که به حفظ کیفیت محیط‌زیست در برابر رشد اقتصادی بها می‌داد و به نظر پیرس و وارفورد^۷ اولین انقلاب و تحول در نگرش‌های محیط‌زیست و توسعه به اوایل دهه ۷۰ میلادی باز می‌گردد. یکی از بهترین آثار منتشر شده آن دوران کتاب محدودیت‌های رشد^۸ نوشته دنیس میدوز و دیگران بود که در آن میدوز معتقد بود که اگر الگوهای رایج موجود رشد جمعیت و استفاده از منابع به همین ترتیب ادامه یابند، ورشکستگی زیست‌محیطی و فروپاشی اقتصادی اجتناب ناپذیر خواهد بود (میدوز و دیگران: ۱۹۷۲). اواخر دهه ۸۰ و اوایل دهه ۹۰ نیز نظاره‌گر دومین انقلاب در نگرش‌های زیست‌محیطی است که تجدیدنظر و توسعه بسیاری از مفاهیم بنیادین و مباحث مربوط به توسعه پایدار را در بر می‌گرفت (پیرس و وارفورد، ۱۳۷۷). لستر براون معتقد است ارتقای اندیشه و توجهی که به محیط‌زیست و مسائل آن معطوف شده اگر چه در کشورهای توسعه یافته آغاز می‌شود لیکن این امر حاصل ظهور تفکر جدیدی است که جهان را به شکل یکپارچه و از نظر اقتصادی به‌شدت به یکدیگر وابسته می‌بیند. دیگر چیزی به نام "مسأله ما" و "مسأله آنها" میان کشورهای توسعه‌یافته و توسعه‌یافته وجود ندارد و هرچه هست "مسأله همه ما" است (Brown et al., 2000: 137). رشد سریع و تراکم جمعیت و نابسامانی‌های اجتماعی همراه آن و از دست دادن فضاهای باز به عنوان تهدیدهایی برای بقای انسان در درازمدت به عنوان موضوعاتی برجسته مطرح می‌شوند. همچنین اثرات محلی و جهانی رشد جمعیت بر محیط‌زیست در کشورهای آمریکای لاتین مورد توجه فزاینده‌ای قرار می‌گیرند و بحث توسعه پایدار در کانون توجهات و برنامه‌های توسعه جای می‌گیرد. این امر حرکتی بسیار بزرگ و آگاهی‌بخش است. در نیمه سال ۱۹۹۶ جمعیت جهان به ۵/۸ میلیارد نفر رسید و امروز بالغ بر ۶/۲ میلیارد نفر در آن زندگی می‌کنند. سالانه حدود ۸۸ تا ۹۰ میلیون نفر به جمعیت جهان افزوده می‌گردد (PRB; 1996; Weinstein & Pillai, 2001 : 366; Aplin et al., 1999).

به اعتقاد جمعیت‌شناسان افزایش جمعیت کره زمین تا قبل از رسیدن به نقطه ثبات و تعادل در طول قرن ۲۱ نیز ادامه خواهد یافت. برخی تخمین‌های خوش‌بینانه بین ۷/۹ تا ۸/۹ میلیارد نفر را برای سال ۲۰۵۰ برآورد می‌کنند. این رشد در ۵۰ ساله آینده همه چیز را تحت تأثیر قرار خواهد داد (UN : 1998; Aplin et al., 1999).

تاریخچه نشست دهلی نو

مؤسسه ولکام تراست^۹ توسط فردی به نام سرهنری ولکام^{۱۰} در ۱۹۳۶ در انگلستان بنا گردیده این مؤسسه از پژوهش‌هایی که در جهت نیل به بهبود شرایط رفاهی و زیستی بشر سودمند باشد حمایت می‌کند. ولکام تراست با توجه ویژه به مسائل جمعیتی مصمم است هرگونه حمایت و تأمین مالی از پژوهش‌های مرتبط با جمعیت را فراهم آورد. این مؤسسه امیدوار است از این طریق در ارتقای یافته‌ها و دانش انسان از رابطه میان بهداشت باروری و رشد جمعیت و توسعه پایدار مؤثر باشد. همچنین فراهم آوردن گروه یکپارچه‌ای از دانشمندان نظیر عالمان علوم اجتماعی و طبیعی، مهندسان و متخصصان بهداشت و متخصصان و محققان در رشته‌های مختلف و مرتبط با موضوع جمعیت از اهداف آن به‌شمار می‌آید. اولین کار تراست تأمین مالی و کمک به نشست جمعیتی دهلی‌نو بود که توسط اعضای فرهنگستان علوم ۶۰ کشور در ۱۹۹۳ انجام شد. ویکی^{۱۱} از این نشست به عنوان یکی از ملاقات‌های متعددی که به‌منظور فراهم آوردن مقدمات کنفرانس ۱۹۹۴ قاهره انجام شده نام می‌برد. (Weeks, 2002 : 548) در قطعنامه پایانی مراکز دانشگاهی شرکت‌کننده در نشست ضمن فراهم آوردن چهارچوبی برای کنفرانس بین‌المللی جمعیت و توسعه سازمان ملل که یک‌سال بعد در قاهره انجام شد، خطاب به دولت‌ها و تصمیم‌گیرندگان بین‌المللی به‌ویژه آنانی که در کنفرانس ۱۹۹۴ قاهره شرکت خواهند داشت، خواسته شد که هر چه سریعتر تصمیمی قاطع و سیاستی منسجم بر موضوع جمعیت و توسعه در مقیاس جهانی اتخاذ گردد و توافقی جمعی و

توسعه پایدار و محیط‌زیست هستند که پس از نشست ۱۹۹۳ دهلی‌نو تاکنون برگزار شده‌اند. تمامی این نشست‌ها و جلسات تقریباً همگی بر تنها سؤال پیچیده پیش روی انسان در رابطه با آینده زندگی بشر بر زیست کره توجه داشته‌اند:

[انسان چه باید انجام دهد تا از بقای خویش و حفظ بوم‌نظام‌های محلی و جهانی که حیات کره زمین به آن وابسته است، برای قرن بعد و فراتر از آن اطمینان یابد؟] (Ogilvie & Scott, 1997)

ترجمه بیانیه

"خلاصه بیانیه جمعیتی امضا شده توسط ۶۰ مرکز دانشگاهی" بگذارید ۱۹۹۴ به‌عنوان سالی که در آن مردم جهان تصمیم گرفتند تا برای حفظ منافع نسل‌های آینده با یکدیگر همکاری کنند به خاطر سپرده شود.

آن‌ان که در کنفرانس ۱۹۹۴ سازمان ملل درباره جمعیت و توسعه حضور خواهند داشت جهت اخذ یک تصمیم قاطع و نافذ و قبول یک سیاست منسجم درباره جمعیت و توسعه پایدار در سطح جهان گرد آمدند.

الف - مسأله

جهان به سوی افزایش بی‌سابقه و بی‌نظیر جمعیت پیش می‌رود. فقط در طول عمر یک انسان، جمعیت جهان با دو برابر شدن به بیش از ۵/۵ میلیارد نفر رسیده است. حتی سناریوها و تخمین‌های بسیار خوشبینانه نیز که نرخ‌های مولید پایین‌تری را در نظر می‌گیرند جمعیت را در نیمه قرن آینده در حدود ۷/۸ میلیارد نفر پیش بینی می‌کنند. تولید غذا از زمین و دریا به نسبت رشد جمعیت جهان در دهه گذشته کاهش یافته است.

روابط میان جمعیت انسان، توسعه اقتصادی و محیط‌زیست طبیعی بسیار پیچیده است و به‌طور کامل درک نشده است. هیچ شکی نیست که اندازه جمعیت و استفاده از منابع با تهدیدی که متوجه بوم‌نظام است مرتبطند. افزایش گازهای گلخانه‌ای، نازک شدن لایه اوزون، باران‌های اسیدی، کاهش تنوع زیستی، جنگل‌زدایی،

جهانی براساس نیاز به ارتقای اساسی در سیاست‌های جمعیتی جهان به دور از تمرکز [فقط] بر کنترل باروری بلکه بر تشویق و هدایت افراد به رعایت بهداشت باروری و همچنین تقویت وضعیت زنان و حقوق بشر به عمل آید (Smith, 1994). قطعنامه برای حل مسائل اجتماعی و اقتصادی و زیست‌محیطی که به دنبال توسعه و افزایش غیرقابل پیش‌بینی در جمعیت انسان حاصل آمده است بر نیل به رشد صفر جمعیتی^{۱۲} تأکید نموده و معتقد است این تعادل جدید جمعیتی باید در طول زندگی و عمر فرزندان جمعیت موجود به‌دست آید و نه دیرتر. بهبود زندگی و کیفیت زیستن برای همه انسان‌ها چه نسل‌های فعلی و چه نسل‌های آینده از جمله اهدافی است که در قطعنامه مورد تأکید قرار گرفته است. از آن زمان تاکنون نشست‌های متعدد علمی و تخصصی با شرکت دانشمندان، دانشگاهیان و رهبران اقتصادی و سیاسی جهان انجام شده است و سازمان ملل با قراردادن سیاستمداران دولتی و متخصصان و دانشگاهیان و سازمان‌های غیردولتی در کنار یکدیگر به دنبال تدوین و پایه‌ریزی نوعی سیاست جهانی جمعیت بوده است (Weeks, 543: 2002).

بیانیه استکهلم^{۱۳} در ۱۹۷۲، کنفرانس جمعیت جهان در بخارست در رومانی^{۱۴}، دومین کنفرانس جمعیت جهان در مکزیک^{۱۵} در ۱۹۸۴، گزارش برون‌ت لند در ۱۹۸۷ تحت عنوان آینده مشترک ما^{۱۶}، بیانیه ونکوور به نام دستور کار بقا در ۱۹۸۹ کانادا^{۱۷}، کنفرانس توسعه و محیط‌زیست ریو به نام دستور کار ۲۱ در ۱۹۹۲ ریودوژانیرو - برزیل^{۱۸}، از جمله مهمترین کنفرانس‌ها و نشست‌هایی هستند که در رابطه با جمعیت و محیط‌زیست و توسعه تا قبل از نشست ۱۹۹۳ دهلی‌نو برگزار شده‌اند.

همچنین سومین کنفرانس جمعیت و توسعه سازمان ملل در ۱۹۹۴ قاهره^{۱۹}، نشست قاهره +۵ در ۱۹۹۹ در لاهه هلند^{۲۰} و کنفرانس توسعه پایدار و جمعیت ۲۰۰۲ ژوهانسبورگ^{۲۱} در آفریقای جنوبی نیز از مهمترین جلسات و نشست‌های بین‌المللی انجام شده در باره موضوع جمعیت و

فرسایش خاک سطحی، کمبود آب، غذا و سوخت حاکی از رانده شدن بیش از پیش نظام طبیعت به سوی حدود نهایی آن است. جهان توسعه یافته و صنعتی با کمتر از یک چهارم جمعیت جهان مالک ۸۵ درصد تولید ناخالص جهانی و مصرف کننده قسمت عمده‌ای از سوخت فسیلی و مواد معدنی است. هر دو دسته کشورهای فقیر و غنی از طریق فعالیت‌های صنعتی، رفتار غیرمناسب کشاورزی و تمرکز جمعیت با عدم توجه و غفلت از طبیعت به خساراتی که بر محیط‌زیست وارد می‌شود می‌افزایند. با این همه، توسعه برای کشورهای کمتر توسعه یافته و در حال گذار انتظاری مشروع به‌شمار می‌آید.

ب - راه حل‌ها

بهبود کیفیت زندگی برای همه، هم برای نسل‌های فعلی و هم برای نسل‌های آینده هدف مشترک ما است. بدین ترتیب منظور ما کسب رفاه اقتصادی و اجتماعی و فردی است با تکیه بر رعایت حقوق اساسی و بنیادی انسان‌ها در جهت کسب توانایی‌های زندگی‌ای سازگار و با محیطی حفاظت شده است. برای روبرو شدن با مسائل اجتماعی، اقتصادی و زیست‌محیطی باید به سطح رشد جمعیت صفر دست یابیم و این امر باید در طول زندگی فرزندانمان حادث گردد.

نیل به هدف یاد شده زمانی مقدور است که زمان، اراده سیاسی، استفاده هوشمندانه از علم و فناوری و قوه ابتکار و کردانی و ذوق انسان به مدد گرفته شوند و به سرعت تصمیم‌های سیاسی مناسب اتخاذ گردند تا تغییرات اجتماعی لازم رخ دهند.

ج - چگونگی:

ما نیازمند:

۱ - فرصت‌های برابر برای زنان و مردان در زندگی اجتماعی، اقتصادی و جنسیتی هستیم تا خود بتوانند اندازه خانواده خود را تعیین نمایند.

۲ - دسترسی همگانی به خدمات شایسته بهداشتی و تنظیم خانواده شامل دامنه گسترده‌ای از گزینه‌های قابل تهیه و بی‌ضرر پیشگیری.

۳ - تشویق رویکردهای اختیاری و ارادی به تنظیم خانواده و حذف اعمال غیر ایمن و قهری و اجباری.

۴ - آب پاک، بهداشت و مراقبت‌های اولیه سلامتی گسترده و آموزش.

۵ - سیاست‌های مناسب دولتی و اجرایی که مسئولیت‌های زیست‌محیطی دراز مدت را ادراک نمایند.

۶ - اعمال بیشتر کارآمد و کمتر خسارت زننده به محیط‌زیست در جهان توسعه یافته از طریق اشاعه اخلاقی جدید که مصرف اسراف آمیز را نفی و آن‌را نامعقول کند.

۷ - سیاست‌های قیمت‌گذاری، اخذ مالیات و تنظیم کننده‌ای که قیمت محیط‌زیست را نیز به حساب آورد و نهایتاً بر رفتار مصرفی تاثیر و نفوذ کند.

۸ - کمک و یاری جهان توسعه یافته به جهان در حال توسعه در مواجهه و مبارزه با مسائل زیست‌محیطی در سطح محلی و جهانی.

۹ - ترویج مفهوم فناوری برای محیط‌زیست.

۱۰ - اتحاد دولت‌ها با تکیه بر اهداف زیست‌محیطی در قانون‌گذاری، طرح‌ها و برنامه‌های اقتصادی و تقدم بخشی و ایجاد انگیزه و حمایت از افراد و سازمان‌های حامی و سودمند به حال محیط‌زیست.

۱۱ - عمل مشترک و حرکت جمعی توسط تمام کشورها.

۵ - بنابراین دانشمندان علوم اجتماعی و طبیعی، مهندسان و متخصصان بهداشت نیز سهم خود را در توسعه و درک بهتری از مسائل و گزینه‌های موجود و راه حل‌ها با عنایت ویژه به عوامل زیر ایفا خواهند نمود:

۱ - عوامل فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، مذهبی، آموزشی و سیاسی موثر بر رفتار تولید مثل، اندازه خانواده و تنظیم خانواده.

- ۲ - موانع توسعه انسانی خصوصاً نابرابری‌های اجتماعی، قومی، طبقاتی و جهت‌گیری‌های جنسیتی.
- ۳ - تغییرات محلی و جهانی محیط‌زیست، علل آن (اجتماعی، صنعتی، جمعیتی و سیاسی) و اعمال سیاست‌هایی برای کاهش آن‌ها.
- ۴ - بهبود آموزش و توسعه منابع انسانی با توجه ویژه به زنان.
- ۵ - برنامه‌های تنظیم خانواده، روش‌های جدید پیشگیری (از بارداری)، مراقبت‌های بهداشتی اولیه (ضروری).
- ۶ - انتقال به اقتصاد مبتنی بر مصرف کمتر انرژی و مواد معدنی.
- ۷ - ظرفیت‌سازی درونی در کشورهای در حال توسعه در علوم طبیعی، مهندسی، دارویی و پزشکی، علوم اجتماعی، مدیریت و مطالعات بین‌رشته‌ای.
- ۸ - تدوین راهبرد و فناوری لازم در جهت نیل به توسعه پایدار.
- ۹ - ایجاد شبکه‌های ارتباطی، معاهدات و پیمان‌ها و قراردادهایی که از توافقات و اشتراکات جهانی حمایت به عمل آورند.
- ۱۰ - مبادله دانشمندان در امور آموزشی و پژوهشی در سطح بین‌المللی.

بررسی بیانیه

بیانیه در ۳ بخش کلی طرح شده است:

- ۱- تشخیص مسأله
 - ۲- راه‌حل‌ها
 - ۳- راهکارهای دستیابی به راه‌حل‌ها
- آنچنان که از متن بیانیه قابل درک است، مسأله اصلی مورد نظر تدوین کنندگان بیانیه همان حفظ محیط‌زیست از خطراتی است که آنرا تهدید می‌کند. برنامه‌های توسعه پایدار با جهت‌گیری‌های مرتبط با حقوق نسل‌های فعلی و آینده، تکیه بر تصمیم‌گیری قاطع و نافذ در سطح برنامه‌ریزان و سیاستمداران، تأکید بر کاهش غذای تولید شده از زمین و آب
- به نسبت سال‌های گذشته، پیچیدگی رابطه انسان و توسعه اقتصادی و محیط‌زیست و دانش اندک انسانی درباره این رابطه، افزایش بی‌رویه استفاده از منابع، اثر گازهای گلخانه‌ای، نازک شدن لایه اوزون، باران‌های اسیدی، کاهش تنوع زیستی، جنگل‌زدایی و فرسایش خاک، کمبود غذا و آب برای انسان‌ها، بی‌توجهی و غفلت از وضعیت محیط‌زیست، حق مشروع کشورهای توسعه نیافته برای نیل به توسعه اجتماعی - اقتصادی از مهمترین نکاتی هستند که در بخش اول بیانیه به عنوان طرح مسائلی که در حال حاضر بشر فعلی با آنان روبرو است مورد تأکید قرار گرفته‌اند لیکن بیشترین اهمیت به موضوع افزایش لگام گسیخته جمعیت جهان در قرن گذشته اختصاص یافته است.
- بیانیه در بخش دوم به راه‌حل‌های موجود پرداخته و در این راستا مفاهیمی همچون بهبود کیفیت زندگی برای نسل‌های آینده، حقوق اساسی انسان‌ها، زندگی سازگار انسان با محیط‌زیست، استفاده هوشمندانه از علم و فناوری، اتخاذ سیاست‌های فوری جهانی جهت تغییر مسیر فعلی و رسیدن به نقطه رشد صفر جمعیت برای جهان مطرح شده است.
- بخش سوم بیانیه درصد ارائه راهکارهای دستیابی به آرمان‌هایی است که در بخش دوم مطرح گردیده است و آنچنان که از متن بیانیه پیدا است تقریباً همه مسائل قابل طرح در آن گنجانده شده است.
- درک و مسئولیت‌پذیری دولت‌ها از محیط‌زیست و حفظ آن، اخلاق صرفه‌جویانه و عدم مصرف بی‌رویه در جهان صنعتی، کمک جهان توسعه یافته به کشورهای توسعه نیافته در جهت حل مسائل محلی و جهانی زیست‌محیطی و عمل جهانی و جمعی از سوی تمام کشورها از عناصری هستند که در بخش سوم بیانیه به آن توجه شده است. در نظر گرفتن عوامل تأثیرگذار فرهنگی - اجتماعی - اقتصادی - مذهبی و آموزشی، نابرابری جهانی، انتقال به اقتصاد مبتنی بر مصرف کمتر مواد و انرژی، ظرفیت‌سازی علمی و پژوهشی در کشورهای در حال توسعه و توجه به مطالعات بین‌رشته‌ای، مبادله دانشمندان در سطح بین‌المللی و فراهم آوردن

بیمان‌نامه‌ها و تعهدات مرتبط با موضوع در کشورهای جهان نیز در بخش سوم بیانیه قابل ذکر هستند.

بحث نهایی

۱ - باتوجه به حمایت بنیاد ولکام تراست از نشست، احتمالاً اهداف مورد نظر تراست در تشکیل آن و همچنین قطعنامه پایانی آن مؤثر خواهد بود و با توجه به اهداف ذکر شده از سوی این بنیاد، این نکته که رفاه، ارتقاء شأن و زندگی درخور و لایق انسان به عنوان اهداف تراست بیان شده‌اند قابل تحسین است. از طرفی حضور دانشندان ۶۰ کشور علی‌الخصوص جمعیت‌شناسان و متخصصان توسعه اقتصادی - اجتماعی و دور از انتظار نیست که جو حاکم بر نشست و روح کلی آن به سوی مسائل ناشی از جمعیت و افزایش بی‌رویه آن در طی قرن گذشته سوق یابد گرچه این امر بدون تردید مورد پذیرش بنیاد بوده است و بیانیه با رویکردی کاملاً جمعیت‌شناختی به مسأله محیط‌زیست پرداخته است (Commoner, 1994).

با مطالعه بیانیه، هرچه درباره جمعیت و توسعه و محیط‌زیست مطرح است تقریباً قابل مشاهده است. لیکن طرح مفاهیمی همچون فقر، کاهش فاصله کشورهای توسعه نیافته و صنعتی، سقط جنین، مسائل و آلودگی‌های ناشی از انرژی هسته‌ای، گرسنگی، انباشت زباله، جنگ و رقابت‌های تسلیحاتی، آزادی و دموکراسی، اشتغال و بیکاری، صلح جهانی، پراکندگی نامطلوب جمعیت و امنیت غذایی به جای امنیت نظامی نیز در آن ضروری به نظر می‌رسد (بونفو، ۱۹۹۰: ۶۵).

۲- اما این‌که مسأله واقعاً کجاست؟ آیا واقعاً تمام مسائل محیط‌زیست ناشی از جمعیت و رشد آن است؟ آیا هیچ متغیر دیگری به اندازه تعداد جمعیت بر محیط‌زیست مؤثر نیست؟ در این‌که رشد جمعیت و اندازه جمعیت و مصرف لجام گسیخته به تخریب محیط‌زیست منجر می‌شود تقریباً شکی نیست (Weinstein 8 Pillai, 2002 : 382) ولی آیا همه چیز نهایتاً به اندازه جمعیت قابل تقلیل است؟ همچنین اثر

جمعیت و رشد آن بر محیط‌زیست در نقاط مختلف جهان یکسان نیست. به عنوان مثال اثر افزایش جمعیت در مکزیک و یا در برزیل یا مصر با اثر آن در سوئیس یا آمریکا بر محیط متفاوت است. این موضوع نیز تقلیل مسائل زیست‌محیطی را به جمعیت با مشکل روبرو می‌سازد. همین‌طور می‌توان درباره ساختمان سنی جمعیت و تاثیر آن بر محیط‌زیست بحث نمود (Orians & Skumanich, 1997). بیانیه رسیدن به سطح رشد صفر را به عنوان راه‌حل اساسی که در طی سال‌های آینده و نزدیک باید بدان رسید پیش‌روی سیاستمداران و برنامه‌ریزان قرار می‌دهد و با چنین راه‌حلی، برنامه‌ریزی‌ها به سمت انتشار کنترل باروری و تنظیم خانواده و کاهش تعداد فرزندان جهت‌گیری خواهد کرد. اما این ساده‌انگاری است که همه چیز را به تعداد جمعیت مربوط کنیم، قسمت اعظم این جمعیت اضافی در کشورهای جهان سوم قرار دارند در حالی که سطح زندگی و مصرف بی‌رویه از مشخصه‌های جهان صنعتی است. زیان و خسارت وارد شده به محیط‌زیست از سوی کشورهای صنعتی بسیار بیشتر از کشورهای جهان سوم است و در کشورهای جهان سوم بیشتر فقر و نابرابری عامل نابودکننده و خسارت‌زننده به محیط‌زیست به‌شمار می‌آید. عمده برنامه‌های تنظیم خانواده و باروری و کنترل تعداد فرزندان خانواده در کشورهای توسعه نیافته تمرکز یافته است و کشورهای صنعتی مشکل اضافه جمعیت یا موالید اضافی ندارند. حتی اگر همین فردا جمعیت جهان به رشد صفر می‌رسید باز هم مسأله تغییر نمی‌کرد زیرا این امر باید در کشورهای جهان سوم روی می‌داد در حالی که عمده خسارت زیست‌محیطی ناشی از سطح مصرف کشورهای صنعتی است. این در حقیقت خودخواهی کشورهای صنعتی است که کشورهای توسعه نیافته را مجبور به کنترل زاد و ولد می‌نمایند ولی هیچ تغییری در سطح مصرف و سطح زندگی مردمان کشورهای خود را بر نمی‌تابند. با بالا رفتن سطح زندگی، افزایش تقاضا برای کالاهای تولیدی و افزایش مصرف، میزان برداشت از منابع طبیعی افزایش یافته و نهایتاً به تخریب محیط‌زیست منجر می‌شود. آمریکا با ۶ درصد

جمعیت جهان، ۷۰ درصد کل زباله‌های جهان را تولید می‌کند. مصرف و افزایش جمعیت و تکنولوژی تولید در تخریب و تولید آلودگی در محیط‌زیست موثر است (کمونر، ۱۳۸۰: ۱۲۹-۴). شکاف رفاهی میان شمال و جنوب تشدید شده است. در مجموع طی دهه‌های اخیر وضع مادی مردم هم در شمال و هم در جنوب بهبود یافته است اما شمال ثروتمندتر پیشرفت‌های بیشتری داشته است. به‌عنوان یک شاخص عمومی در سال ۱۹۶۰ مجموع درآمد کشورهایی که یک پنجم ثروتمندترین جمعیت دنیا را داشته‌اند ۳۰ برابر مجموع درآمد کشورهایی بوده که یک پنجم فقیرترین مردم دنیا را در خود جای داده‌اند. در سال ۱۹۹۷ این نسبت به ۷۴/۱ افزایش یافته است و گرچه تعداد اندکی از کشورهای کم‌توسعه‌یافته در طی این دوره به کشورهای تازه صنعتی شده پیوسته‌اند با این وجود بیشتر کشورهای جنوب شاهد بهبودی ناچیز و یا حتی افت واقعی در رفاه جمعیت خود بوده‌اند (UNDP, 1999:1) و در حالی که سهم کشورهای جهان سوم از جمعیت دنیا رو به افزایش بوده سهم سرانه آنان از منابع، تولید و مصرف در مقایسه با کشورهای صنعتی به‌طور فزاینده‌ای رو به کاهش بوده است (میرزایی، ۱۳۷۰). افزایش جمعیت و مصرف با اعمال شخصی قابل کنترل‌اند. لیکن روش‌های تولید و تکنولوژی با مسائل متعدد و پیچیده‌تری روبرو هستند که امکان کنترل آن‌ها توسط افراد و اشخاص وجود نداشته و در سطح سیاسی قابل طرح‌اند. افزایش جمعیت مشکل جهان توسعه نیافته است و مصرف مشکل جهان توسعه یافته و تکنولوژی نیز بیشتر در جهان صنعتی قابل طرح است اگرچه می‌توان در برخی کشورهای درحال گذار نیز اثرات آن را دید. آنچه در کشورهای جهان سوم منجر به تخریب و آلودگی می‌شود اساساً فقر است (کمونر، ۱۳۸۰: ۱۲۹). گزارش برون‌ت لند، (۱۹۸۷). آنچه باید در کشورهای صنعتی و توسعه‌یافته بدان توجه شود کاهش سطح مصرف است. پرداختن به تکنولوژی‌های کم‌خطر مستلزم هزینه‌های بسیار و سرمایه‌گذاری‌های گسترده است و سیاستمداران رغبت کمتری بدان نشان می‌دهند زیرا می‌تواند

باعث گران شدن کالاها، رکود اقتصادی و افزایش هزینه تولید و افزایش مالیات‌ها شده و از میزان محبوبیت و قدرتمندی گروه‌های سیاسی حاکم بکاهد. همچنین کاهش مصرف و تغییر الگوهای مصرف رایج در کشورهای پیشرفته نیز کمتر مورد توجه قرار می‌گیرد زیرا مستقیماً با عادات و سبک زندگی دراز مدت افراد در آن جوامع مربوط شده و تغییر دادن آن موجب مقاومت‌های شدید و حتی کارشکنی خواهد بود. بنابراین تنها دیوار کوتاه جمعیت باقی می‌ماند تا فعالیت‌ها و جلسات و نشست‌ها و کنفرانس‌های بین‌المللی تمرکز خود را بر آن استوار نمایند. بنابراین نه فقط بحث جمعیت بلکه کاهش سطح مصرف و رفورم‌های تکنولوژیک نیز مطرح بوده و اگر به شکل توأمان و با همراهی یکدیگر مورد توجه قرار گیرند می‌توانند در تغییر وضعیت جهان و جلوگیری از فاجعه‌ای که بیانیه آن‌را قریب‌الوقوع می‌داند مؤثر باشند. پرداختن به جمعیت و کنترل آن به همراه مقابله مستمر با فقر می‌تواند در کشورهای جهان سوم موجب بهبود اوضاع شود. پایین بودن درآمد سرانه به همراه رشد جمعیت اجازه افزایش درآمد سرانه و پس‌انداز را به کشورهای توسعه نیافته نداده و رشد اقتصادی میسر نمی‌شود. این امر موجب دائمی شدن سوء تغذیه و گرسنگی در آن دسته کشورها می‌شود. برخورد با این امر نیازمند کمک‌های انسانی و تکنولوژیک و حمایت مالی کشورهای توسعه یافته است. کاهش سطح مصرف در کشورهای توسعه یافته نیز از عمده‌ترین کارهایی است که باید سیاستمداران و برنامه‌ریزان در آن کشورها با تغییر الگوی مصرف بدان دست یابند. با توجه به مفاد بیانیه‌ها، رفورم‌های تکنولوژیک و تولید تکنولوژی‌های کم‌خطرتر و سازگار با محیط‌زیست نیز مسئولیت دانشمندان و متخصصین علوم گوناگون خواهد بود که بیانیه به شکل ظرفیت‌سازی علمی و مبادلات آکادمیک از آن یاد کرده است که در جای خود محل تقدیر داشته و بسیار نیکو است.

۳ - اعمال و استفاده از تکنولوژی‌های جدید نیازمند همان اجماع و حرکت جهانی است که در سطح دولت‌ها و

حاکمان سیاسی مقدور خواهد بود که این نیز در بیانیه مورد توجه قرار گرفته است. لیکن آنچه اکنون می‌توان گفت "ضمانت اجرایی" برای تضمین عملکرد کشورها در مفاد آنچه است که در بیانیه به شکل ایده‌آل مطرح شده است. علی‌رغم توافق بیش از ۱۳۰ کشور در کنفرانس سال ۱۹۹۷ کیوتو^{۲۳} برای کاهش نشر گازهای گلخانه‌ای در کره زمین، آمریکا و استرالیا از امضای تعهدنامه سرباز زدند (Weeks, 2002: 499) و هیچ وسیله‌ای برای التزام آنان به این کار وجود ندارد. بنابراین فقدان ضمانت اجرایی نیز می‌تواند همچون تأکید افراطی بر جمعیت از نکات ضعیف بیانیه به شمار آید. نیاز به اجماع و حرکت جهانی و وحدت بر سر تعاریف توسعه و پایداری به شدت احساس می‌شود. لیکن این امر احتمالاً نیازمند تغییرات اساسی سیاسی - اقتصادی و فرهنگی در سطح جهان خواهد بود.

امروزه در شرایطی که بحث‌های زیست‌محیطی درگیر اصطلاحات فنی محض هستند و یا با ساده‌انگاری مسائل زیست‌محیطی را به عدم تعادل بین جمعیت زیاد و منابع در دسترس نسبت می‌دهند پی بردن به اهمیت وساطت فرهنگ در رابطه مردم و محیط‌زیست نوعی پیشرفت در رویکردها است (گزارش جهانی فرهنگ، ۱۹۹۸). مسأله اصلی تغییر ارزش‌هایی است که تعیین کننده الگوهای رفتار اجتماعی مردم است. ارزش‌ها و گرایش‌های مردم کندتر از تغییرات مادی جامعه تغییر می‌کنند. توسعه مادی جامعه باید با توسعه و رشد فرهنگی همراه باشد. جهان امروز با پس‌افتادگی توسعه فرهنگی از توسعه مادی روبرو است و این در هر دو دسته کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه به چشم می‌خورد. ما امروز نیازمند ارزش‌های فراگیر علمی و اخلاقی جهانی زیست‌محیطی برای پاسخ گویی به مسائل محیط‌زیست هستیم.

۴- اما امروز پس از گذشت نزدیک قریب به ۱۲ سال از تدوین بیانیه، هنوز جهان به شدت نیازمند پرداختن به مسأله فقر و نابرابری، گرسنگی و آزادی و دمکراسی است. توزیع کلی زمین، غذا، انرژی و ثروت در دنیا نشان می‌دهد که نظام

جمعیت جهان بسیار از هر گونه تعادلی دور است (گزارش جهانی فرهنگ، ۱۳۷۹: ۱۵۸-۱۵۹). محیط‌زیست مسلماً نسبت به ۱۲ سال قبل متحمل تخریب بیشتری گردیده است. اگر بیانیه توسعه را به عنوان حق مشروع کشورهای جهان سوم پذیرفته است پس باید کشورهای صنعتی کمک‌های بیشتری را به جهان سوم ارسال کنند. لزوم عمل یکپارچه و جهانی و وحدت بر سر یک سیاست منسجم جمعیتی - مصرفی - تکنولوژیکی سازگار و دوستانه با محیط‌زیست بیش از هر زمان دیگر احساس می‌شود. حرکتی که اجرای آن از سوی کشورهای جهان تضمین شود.

۵- امروز مفاهیم جدیدی نظیر ظرفیت تحمل بوم‌شناختی^{۲۴}، ردپای بوم‌شناختی^{۲۵} و فرارفت^{۲۶} و تولید سرانه ملی سبز^{۲۷} مطرح شده‌اند. ظرفیت تحمل برای یک اکوسیستم خاص عبارت از حداکثر تعداد جمعیت گونه زیستی خاص و معیارهای پایدار زندگی برای آن جمعیت است که آن اکوسیستم قابلیت برآوردن نیاز آن را به شکل دائمی دارا است (Olsen, 1991:44).

ردپای بوم‌شناختی آن مقدار زمین و آب است که برای برآوردن نیازهای جمعیت موجود با استفاده از فناوری رایج جامعه مورد استفاده قرار می‌گیرد و برای هر فرد جمعیت قابل محاسبه است. این مفهوم توسط ماتیس واکر ناگل و ویلیام ریز مطرح شده است (Wackernagel & Rees, 1994).

فرارفت به معنی افزایش تقاضای جمعیت بر منابع است. این امر موجب برهم خوردن تعادل میان جمعیت گونه زیستی و اکوسیستم می‌شود زیرا تقاضای جمعیت برای مصرف منابع بیشتر از ظرفیت خوردن یا تحمل اکوسیستم است. در چنین حالتی وضعیت ورشکستگی جمعیتی^{۲۸} روی می‌دهد و تعداد بسیاری از جمعیت به عللی مانند قحطی یا بیماری و یا دیگر علل معدوم می‌شوند و تعداد جمعیت به اندازه ظرفیت قابل تحمل اکوسیستم کاهش پیدا می‌کند تا تعادل زیست‌شناختی آن سیستم مجدداً احیا گردد این مفهوم توسط کاتن^{۲۹} در ۱۹۸۰ بیان شده است (Olsen, 1991:45). تولید سرانه ملی سبز همان شاخص GDP معروف اقتصادی

قدیمی است با این تفاوت که هزینه‌های تولید و مصرف زیست‌محیطی نیز در آن محاسبه و پردازش می‌شود. در واقع شاخص‌ها و معرف‌های اقتصادی برای اندازه‌گیری پیشرفت و توسعه تاکنون متغیرهای زیست‌محیطی را در محاسبات خود دخالت نمی‌دادند و این معرف‌ها اکنون در حال بازنگری‌اند (weinstein & Pillai, 2001:391).

آنچه مسلم است کره زمین محدود است و منابع پایان‌ناپذیر نیستند. یک دنیای محدود تنها می‌تواند یک جمعیت محدود را پشتیبانی نماید. با توجه به پیش‌بینی‌های به عمل آمده برای سال‌های آینده، آیا جمعیت ۸ یا ۹ میلیاردی خواهد توانست نیازهای اساسی خود را از منابع موجود آن زمان تامین نماید؟ آیا با روندهای فعلی استفاده از منابع که در برخی موارد از توان کره زمین بیشتر است چیزی برای نسل‌های آینده باقی خواهد ماند؟ میدوز و همکارانش در مطالعه ۱۹۷۲^{۳۰} و ۱۹۹۲^{۳۱} با در ارتباط قراردادن جمعیت و منابع به محدود بودن و پایان‌ناپذیر نبودن منابع اشاره دارند. لزوم مشخص نمودن حد و مرزی برای مصرف فعلی و نحوه بهره‌برداری از منابع تجدیدپذیر و تجدیدنپذیر به شدت احساس می‌شود. اگر بنا است چیزی برای نسل‌های آینده باقی بماند مستلزم برآورد و تخمین صحیحی از منابع مصرف شده و باقی مانده، برآوردی از میزان مصرف فعلی و تدوین برنامه‌ای برای سهمیه‌بندی استفاده از منابع در آینده است. این امر نیازمند ایجاد تعادلی پویا^{۳۲} میان مصرف، جمعیت و فناوری است (Weeks, 2002:506) که در سطوح فردی، محلی، منطقه‌ای و جهانی قابل طرح است.

۶- از تشکیل گروه‌های کاری از دانشمندان و عالمان رشته‌های مختلف برای پژوهش و تحقیقات گوناگون مرتبط با موضوعات مورد نیاز باید حمایت شود و بودجه و حمایت‌های سیاسی کامل از آن‌ها بدون هیچ محدودیتی به عمل آید. این امر نیازمند *اراده سیاسی* در سطوح حکومتی و فراهم نمودن امکان *جریان آزاد اطلاعاتی* است که دانشمندان در هر نقطه‌ای از جهان بتوانند خود را به آن

مرتبط سازند و به تبادل اطاعات خود با دیگران بپردازند. این کار در درازمدت به انباشت معرفت حاصل از پژوهش‌های علمی جمعیتی و زیست‌محیطی منجر خواهد گردید و موجب تولید *دستگاهی نظری برای بیان رابطه انسان و محیط زیست* خواهد شد. این دستگاه نظری باید به نظریه‌پردازی بر اساس مفاهیم و روش و ارزش‌های جدید پرداخته و معرفت موجود را نظام‌مند و ارتقا بخشد. چیزی که جای خالی آن امروزه به شدت احساس می‌شود.

نتیجه‌گیری

تغییرات زیست‌محیطی جهانی ناشی از عامل انسانی تا پیش از اواسط قرن بیستم در مقیاس قابل ملاحظه‌ای روی نداده است البته اگر وقوع دو جنگ جهانی و انفجارهای اتمی را استثنا کنیم. همچنین تا پیش از اوایل دهه هفتاد میلادی قرن بیستم هیچ نوع تخریب زیست‌محیطی به شکل جهانی و فراگیر به طور جدی در دستور جلسات سیاسی قرار نداشته است. اما از آن به بعد صدها معاهده و بیانیه در زمینه مسائل محیطی امضا و یا صادر گردیده است. این یک حقیقت انکارناپذیر است که تغییرات زیست‌محیطی بر زندگی تقریباً همه انسان‌های معاصر اثر داشته است (شولت، ۱۳۸۲: ۱۰۵) لیکن همه مردم دنیا به یک اندازه تحت تاثیر قرار نگرفته‌اند. دانشمندان دست به ابتکارهای گوناگون برای بررسی تحولات زیست‌محیطی جهانی زده‌اند و بحث درباره بسیاری از مسائل مربوط به ماهیت، علل، اهمیت، سرعت، توزیع محلی، منطقه‌ای و جهانی دگرگونی‌های زیست‌محیطی ناشی از فعالیت انسان و همین‌طور شدت و عواقب و پیامدهای آن برای انسان و سایر جانوران روی زمین کماکان ادامه دارد. گرچه نقطه آغاز این بحث به حق و انصافاً به توماس رابرت مالتوس بر می‌گردد. مالتوس از عدم تعادل میان جمعیت و تولید غذا بیمناک بود و این عدم تعادل را مایه فلاکت و بدبختی جامعه انسانی می‌دانست. در واقع او به عدم توانایی زمین برای برآورده ساختن نیازهای جمعیت اشاره داشت. بحث امروز جهان در حقیقت ادامه همان سؤالاتی است که

ماتوس در ۱۷۸۹ و دونلا میدوز و همکاران وی در ۱۹۷۲ طرح کرده بودند: اگر روندهای فعلی رشد جمعیت و مصرف منابع ادامه یابند، چه آینده‌ای در انتظار انسان خواهد بود؟ یا اصلاً آینده‌ای وجود خواهد داشت؟

انسان امروز میان فروپاشی^{۳۳} و پایداری^{۳۴}، میان بیم و امید بسر می‌برد. بیم از آنچه بر سر کره زمین آورده است، بیم از این که نسل‌های بعدی چگونه قضاوت خواهند کرد و امید به این که بتواند شرایط را به نفع خویش برای حال و آینده تغییر دهد. دور نمای جهان بهتر قابل تصور است به شرطی که مسأله تماماً توسط مردم و دولت‌ها درک شود و محدودیت‌ها پذیرفته شوند. رشد و توسعه اقتصادی - اجتماعی باید در بستر محدودیت منابع تعریف شود در غیر این صورت با ادامه روندهای فعلی پیش بینی مالتوس حداکثر ظرف قرن جاری به وقوع خواهد پیوست. خوشبختانه هنوز به نظر می‌رسد فرصت تغییر وضعیت فعلی و روندهای موجود از نظر محیط‌شناختی و ایجاد اقتصادی مبتنی بر اندیشه پایداری از میان نرفته است. می‌توان شرایط جهان را به آن برابری رساند که نیازهای هر فرد در زیست کره برآورده گردد، هر انسانی از فرصت‌های برابر با دیگران بهره‌مند شود تا ظرفیت‌های بالقوه خویش را به فعل تبدیل نماید (Meadows et al., 1992).^{۳۵} نیل به ثبات جمعیتی و رشد صفر حداقل چندین دهه زمان را به خود اختصاص خواهد داد در حالی که امکان تغییر روندهای فعلی از هم اکنون موجود است. ایجاد جامعه‌ای که منابع در آن به قدر نیاز و کفایت مصرف شوند، برابری اجتماعی نهادی^{۳۶} شده و از نظر محیطی پایدار مهم‌ترین هدفی است که باید تحقق یابد. این ممکن است که مصرف منابع کاهش یابد، آلودگی‌ها کمتر شوند و کیفیت زندگی انسان ارتقا پیدا کند. همچنین با بازنگری در سیاست‌های فعلی می‌توان فقر را به مقدار بسیار زیادی در همین جمعیت موجود کاهش داد لیکن رشد جمعیت نباید ادامه یابد. آنانی که در جهان توسعه‌یافته و صنعتی شده آلودگی بیشتری تولید می‌کنند باید سهم بیشتری را نیز در جهت ترمیم خسارات ناشی از آن بپردازند.

هر اقدامی که تعادل محیط را تهدید کند و یا از میراث ما برای نسل‌های آینده بکاهد دشمن مشترک همه ما است و همه مردم کره زمین باید انگیزه مشترکی برای رویارویی با این دشمن مشترک بیابند. مسئولیت بشر برای حفظ محیط‌زیست باید به یک ارزش جهانی^{۳۷} تبدیل شود. ارزشی که در تمام جهان به آن ارج نهاده شود و بدان عمل شود. دانش و مجموعه علوم امروز قادرند خلاقیت انسانی و تکنولوژی مورد نیاز را برای جبران وضعیت موجود فراهم آورند و هماهنگی و تعادل میان انسان و طبیعت را باز یابند. این امر نه تنها نیازمند بارآوری و بالندگی و تبلور تکنولوژیکی است بلکه به شدت محتاج بلوغ، کمال، دلسوزی، خرد و دانایی برای بشر امروز است (Meadows et al., 1992) و این جز با اراده سیاسی و اجتماعی در مقیاس جهانی امکان‌پذیر نخواهد شد. توسعه پایدار بدون حفاظت محیط‌زیست غیر ممکن است. این امر باید توسط انسان آموخته و پذیرفته شود قبل از این که توسط طبیعت به او اجبار گردد.

منابع

براون، لستر و دیگران (۱۳۷۴). *علایم حیاتی کره زمین*. ترجمه حمید طراوتی. مشهد: جهاد دانشگاهی مشهد.

بونفو، ادوارد (۱۳۷۵). *آستی انسان و طبیعت*. ترجمه صلاح الدین محلاتی. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.

پیرس، دیوید دبلیو و جرمی جی وارفورد (۱۳۷۷). *دنیای بیکران اقتصاد، محیط‌زیست و توسعه پایدار*. ترجمه عوض کوچکی، سیاوس دهقانیان، علی کلاهی اهری. مشهد: دانشگاه فردوسی مشهد.

شولت، یان آرت (۱۳۸۲). *نگاهی موشکافانه بر پدیده جهانی شدن*. ترجمه مسعود کرباسیان. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی تهران.

کمونر، باری (۱۳۸۲). *انسان و محیط‌زیست*. ترجمه بهروز دهباز. تهران: انتشارات موج سبز.

کمیسیون ملی یونسکو (۱۳۷۱). *نقد و بررسی بیانیه ونکوور*. ترجمه محمدتقی جعفری.

محلاتی، صلاح الدین (۱۳۷۲). *جامعه و محیط‌زیست*. آکادمی علوم اتحاد جماهیر شوروی. تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.

میدوز، دونالد و دیگران (۱۳۵۳). *محدودیت‌های رشد*. ترجمه محمود بهزاد، کتابهای جیبی.

میرزایی، محمد (۱۳۷۰). *روند تغییرات در توزیع جمعیت و توزیع منابع محیط‌شناسی*. موسسه مطالعات محیط‌زیست دانشگاه تهران. شماره ۱۶: ۱-۱۰

یونسکو (۱۳۷۹). *گزارش جهانی فرهنگ*. گروه مترجمان، تهران انتشارات کمیسیون ملی یونسکو در ایران.

Aplin, G. et al. (1999). *Global Environmental Crises*, Australia: Oxford University Press.

Brown, Lester, G. Gardner & B. Halweil (2000). *Beyond Malthus, Nineteen Dimensions of the Population Challenge*. London: Earthscan.

Debell, Garrett (1970). *The Environmental Handbook*. New York, USA: Ballantine Books Inc.

Demeny, Paul and Geoffrey Macnicoll (2003). *Encyclopedia of Population*. USA: MacMillan Reference.

پی‌نوشت

- 1 Population Explosion
- 2 George Marsh
- 3 Baby Boom: افزایش بسیار شدید باروری در کشورهای توسعه‌یافته همزمان با پایان جنگ جهانی دوم از نیمه دهه ۱۹۴۰ تا نیمه دهه ۱۹۶۰
- 4 Rachel Carson, 1962: *Silent Spring*, Boston, Houghton Mifflin
- 5 P.R.Ehrlich, 1968: *The Population Bomb*, Ballantine Books, New York
- 6 George Marsh
- 7 Garrett Hardin, 1968: *The Tragedy of The Commons*, Science, 162:1243-1248
- 8 Meadows, Dennis L.; Donella H. Meadows ; William W. Behrens and Jorgen Randers , 1972 : *Limits to Growth*, Universe Books, New York
- 9 Wellcome Trust, <http://www.wellcometrust.com>
- 10 Sir Henry Wellcome
- 11 John R.Weeks
- 12 Zero Population Growth
- 13 Stockholm Declaration, Sweden ,1972
- 14 The 1974 World Population Conference, Bucharest
- 15 The 1984 International Population Conference, Mexico City
- 16 Our Common Future, Brundland Commision Report
- 17 Vancouver Declaration On Survival In The 21st Century, Agenda for Survival
- 18 Rio Declaration On Environment And Development, 1992, Agenda 21
- 19 The 1994 International Conference On Population And Development, (ICPD), Cairo
- 20 The 1999 Cairo +5 Meeting, Hague
- 21 World Summit On Sustainable Development (WSSD) 2002, Jouhansburg
- 22 (شولت، ۱۳۸۲، ۳: ۳)
- 23 Kyoto Meeting, 1997, Japan
- 24 Ecological carrying Capacity
- 25 Ecological FootPrint
- 26 OverShoot
- 27 Green GDP (Gross Domestic Product)
- 28 Population Crash
- 29 Câtton
- 30 Limits to Growth
- 31 Beyond the Limits
- 32 Dynamic Equilibrium
- 33 Collapse
- 34 Sustainability
- 35 Meadows & Dennis et al, (1992) *Beyond the Limits: Confronting Global Collapse, Envisioning a Sustainable Future*, <http://www.context.org/iclib/ic32/meadows.htm>
- 36 Institutional
- 37 Universal Value

- UNDP (1999). *Human Development Report*. New York: Oxford University Press.
- UNESCO (1989). *Symposium On science and Culture for 21st Century, Agenda for Survival*: Canada Vancouver.
- Wackernagel, M. (2002). *What We use and What We Have: Ecological FootPrint and Ecological Capacity*. www.RedefiningProgress.org.
- Wackernagel, M., et al. (1999). The Ecological FootPrint From A System Perspective of Sustainability. *International Journal of Sustainable Development and World Ecology*, 6:17-33.
- Weeks, John R. (2002). *Population, An Introduction to Concepts and Issues*, 8th edition. WadsWorth.
- Weinstein, J & V. K. Pillai (2001). *Demography, The Science of Population*. Allyn & Bacon.
- Wellcome Trust (1995). *Funding of Population Related Aid and Research: U.K. and International Perspectives*, Prism Report No:5. London: Wellcom Trust.
- Ehrlich, A. H. and P. R. Ehrlich (1990). *The Population Explosion*. New York: Simon and Schuster.
- Hardin, Garrett (1993). *Living Within Limits, Ecology, Economics, and Population Taboos*. Oxford University Press.
- Lowenthal, D. (1990). *Awareness of Human Impacts: Changing Attitudes and Emphases, in Earth as Transformed by Human Actions*, eds, B.L.Turner et al., New York: Cambridge University Press.
- Meadows, D. H., D. L. Meadows, J. Randers, and W. Benrens (1972). *The Limits to Growth: A Report for the Club of Rome, s Project on the Predicament of Mankind*. New York: Universe Books.
- Morse, S. & M. Stocking (1995). *People and Environment*. Ucl Press LTD.
- Oglivie, B. M. and I. G. Scott (1997). Human Reproduction, 12 national supplement. *The British Journal of Fertility and Sterility*, 2(2), pp. 95-98.
- Olsen Marvin E (1991). *Societal Dynamics, Exploring Macro Sociology*. New Jersey: Prentice Hall.
- Orians C. E. & M. Skumanich (1997). *The Population-Environment connections: What Does It Mean for Environmental Policy*. Battle Seattelle Research Center.
- Population Reference Bureu (1996). *Global Population, The Facts and The Future (An Information Kit)*. Washigton DC: U.S.A Population Reference Bureu.
- Smith, F. G. (1994). *Population, The Complex Reality: A Report of the Population Summit of the Worlds, Scientific Academies*. Royal Society and North American Press, pp. 17-18.
- Stycos, J. M. (1993). *Population and Environment: The Role of Demographic Data and Projections*. Cornell University.
- Teitelbaum, M. & J. Winter (1993). *The Missing links: The Population-Environment Dynamics in Historical Perspective in: Population Environment Dynamics, Ideas and Observation*, eds, Ness et al, pp.17-31. Michigan: The University of Michigan Press.
- U.N. (1999). *Report of the United Nations Conference On Environment and Development, Rio De Janiro, 1992*. United Nations Department of Economic and Social Affairs (DESA).

